



Characteristics of Divine Leadership of Moses (PBUH) in the Quran

Mohammad Hossein Sheykhi Aliabad  / Ph.D. in Public Administration, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran
shikhi@iki.ac.ir

Received: 2025/09/28 - **Accepted:** 2025/11/01

Abstract

One of the fundamental questions in the field of leadership concerns the identification of the cognitive, attitudinal, and behavioral characteristics that distinguish successful leaders in guiding society toward excellence. This question has occupied the minds of many researchers and has elicited a variety of responses. In religious sources, and particularly in the Holy Quran, there exist comprehensive models of leadership that address this question. Moses (PBUH), as one of the most prominent divine leaders, possesses specific attributes the analysis of which can facilitate the cultivation of exemplary leaders in Islamic society. In this study, the verses of the Holy Quran related to the personality traits of Moses (PBUH) have been collected, and through a descriptive-analytical method, their implications regarding the cognitive and attitudinal characteristics of leadership have been examined. The findings reveal that the characteristics of Moses (PBUH) may be categorized into three principal axes: (1) cognitive characteristics, including knowledge acquisition, wisdom, and intellectual capacity; (2) attitudinal characteristics, encompassing love for God, positive expectation (*husn al-zann*) toward God, spiritual tranquility, expansiveness of heart (*sharḥ al-ṣadr*), detachment from worldly attachments, self-cultivation, moral attractiveness, sincerity, dignity, and capability; and (3) cognitive-attitudinal characteristics, including heartfelt belief in divine assistance and positive expectation toward God.

Keywords: leader, leadership model, divine leadership, cognitive characteristics of leadership, attitudinal characteristics of leadership.

نوع مقاله: پژوهشی

ویژگی‌های رهبری الهی حضرت موسی علیه السلام در قرآن

محمدحسین شیخی علی‌آباد  / دکتری مدیریت دولتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام قم، ایران
دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۶ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۰

shikhi@iki.ac.ir

چکیده

یکی از پرسش‌های اساسی در حوزه رهبری، شناخت ویژگی‌های بینشی، گرایشی و رفتاری متمایزکننده رهبران موفق در هدایت جامعه به سوی تعالی است. این پرسش ذهن محققان بسیاری را به خود مشغول کرده و پاسخ‌های متنوعی در پی داشته است. در منابع دینی و به‌ویژه قرآن کریم، الگوهای کاملی از رهبری وجود دارد که پاسخگوی این پرسش است. حضرت موسی علیه السلام به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین رهبران الهی، دارای ویژگی‌های خاصی است که تحلیل آنها می‌تواند راهگشای تربیت رهبران متعالی در جامعه اسلامی باشد. در این پژوهش، آیات قرآن کریم مرتبط با ویژگی‌های شخصیتی حضرت موسی علیه السلام گردآوری و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، دلالت‌های آنها در حوزه ویژگی‌های بینشی و گرایشی رهبر بررسی شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد ویژگی‌های حضرت موسی علیه السلام در سه محور اصلی قابل دسته‌بندی است: ۱. ویژگی‌های بینشی، شامل علم‌آموزی، حکمت و توانمندی فکری؛ ۲. ویژگی‌های گرایشی، شامل محبت به خداوند، خوش‌گمانی به خدا، آرامش روحی، شرح صدر، عدم دلبستگی به دنیا، خودسازی، جذابیت اخلاقی، اخلاص، آبرومندی و توانمندی؛ ۳. ویژگی‌های بینشی - گرایشی، شامل باور قلبی به نصرت الهی و خوش‌گمانی به خداوند.

کلیدواژه‌ها: رهبر، الگوی رهبری، رهبری الهی، ویژگی‌های بینشی رهبر، ویژگی‌های گرایشی رهبر.

مقدمه

رهبری به‌عنوان فرایندی پویا و تأثیرگذار نقش حیاتی در هدایت و سازمان‌دهی فعالیت‌های گروهی و اجتماعی ایفا می‌کند. در واقع، رهبری عبارت است از توانایی هدایت و اعمال نفوذ بر دیگران؛ به‌گونه‌ای که آنان با انگیزه و میل درونی، بدون اجبار و اکراه، اهداف مشترک را دنبال کنند (Robins & Judge, 2009, p.367). موفقیت و اثربخشی رهبری تا حد زیادی به ویژگی‌های شناختی، بینشی و گرایشی رهبر بستگی دارد؛ چراکه این ویژگی‌ها زمینه‌ساز درک صحیح موقعیت، تصمیم‌گیری هوشمندانه و ایجاد انگیزه در پیروان هستند و به رهبر امکان می‌دهند تا نفوذ عمیق و پایدار بر زیردستان خود داشته باشد. در مطالعات و نظریات مختلف رهبری، صاحب‌نظران به ویژگی‌های متعددی اشاره کرده‌اند که هر یک به‌نحوی در موفقیت و اثربخشی رهبری مؤثر است؛ اما آنچه در این پژوهش اهمیت دارد، تمرکز بر دو جنبهٔ کلیدی بینشی و گرایشی است که از عوامل بنیادین در شکل‌گیری رفتار و تصمیمات رهبران به‌شمار می‌رود و نقش تعیین‌کننده‌ای در جلب اعتماد و پیروی پیروان ایفا می‌کند.

بیان مسئله

رهبری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر توسعه و پیشرفت جوامع، در جهان امروز با چالش‌های متعددی مواجه است که هم در سطح نظری و هم در عرصهٔ عملی، ضرورت بازنگری و تبیین مجدد ویژگی‌های رهبران را ایجاد می‌کند. در جهان اسلام، این چالش‌ها به‌دلیل عقب‌ماندگی‌های مادی و تمدنی، تفرقه‌های فرقه‌ای، ضعف هماهنگی میان کشورها و فشارهای فرهنگی و سیاسی استکبار جهانی، ابعاد پیچیده‌تری یافته است. ازسوی دیگر، فقدان الگوهای رهبری متناسب با مقتضیات زمان و مکان، و ناکافی بودن تبیین ویژگی‌های رهبران الهی در منابع دینی، به‌ویژه قرآن کریم، موجب شده است که رهبران معاصر در جهان اسلام نتوانند به‌طور کامل نقش خود را در هدایت جامعه به‌سوی سعادت و کمال ایفا کنند. با توجه به اهمیت رهبری الهی به‌عنوان الگویی جامع و کامل، بررسی ویژگی‌های بینشی و گرایشی حضرت موسی (ع) که در قرآن کریم به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین رهبران معرفی شده است، می‌تواند گامی مؤثر در پرورش رهبران متعالی و پاسخگویی به نیازهای امروز جهان اسلام باشد. این پژوهش در پی آن است که چگونه می‌توان با تبیین آنها، خلأهای نظری و عملی موجود در رهبری معاصر را پر کرد و به‌لحاظ نظری، این تحقیق به تعمیق فهم ویژگی‌های رهبری الهی می‌پردازد و از جهت عملی، می‌تواند راهنمایی برای تربیت مدیران و رهبران متعهد و کارآمد در جوامع اسلامی باشد که با توجه به شرایط زمانی و مکانی، قادر به مقابله با تهدیدها و بهره‌برداری از فرصت‌ها باشند. این مسئله، ضرورت پژوهش حاضر را در چهارچوب مدیریت فرهنگ سازمانی و رهبری دینی برجسته می‌سازد.

قرآن کریم، به‌عنوان منبعی غنی و جامع، الگوهای برجسته‌ای از رهبری را برای هدایت جامعهٔ انسانی به‌سوی سعادت و کمال معرفی کرده است و از میان آنها الگوی رهبری حضرت موسی (ع) را به‌عنوان نمونه‌ای کامل و جامع،

از حیث ویژگی‌های بینشی و گرایشی خاص یک رهبر الهی به‌تصویر می‌کشد که می‌تواند الهام‌بخش رهبران و مدیران جوامع اسلامی در عصر حاضر باشد. شناخت و تحلیل این ویژگی‌ها می‌تواند به تقویت ساختارهای رهبری در سازمان‌ها و جوامع کمک کند و راهنمایی عملی برای تربیت رهبران شایسته فراهم آورد.

بر این اساس، پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این پرسش اصلی است: «ویژگی‌های حضرت موسی علیه السلام به‌عنوان یک رهبر الهی در قرآن چیست؟» این پرسش خود به سه پرسش فرعی تحلیل می‌شود: ۱. ویژگی‌های بینشی رهبری الهی حضرت موسی علیه السلام در قرآن چیست؟ ۲. ویژگی‌های گرایشی رهبری الهی حضرت موسی علیه السلام در قرآن چیست؟ ۳. ویژگی‌های بینشی - گرایشی رهبری الهی حضرت موسی علیه السلام در قرآن چیست؟

تبیین و تحلیل این ویژگی‌ها، علاوه بر غنای علمی، می‌تواند در زمینه‌های مدیریتی و رهبری معاصر، به‌ویژه در جوامع اسلامی، کاربردی و راهگشا باشد.

پیشینه تحقیق

پیشینه پژوهش درباره رهبری حضرت موسی علیه السلام در قرآن نشان می‌دهد که تحقیقات متعددی درباره نقش راهبری، ویژگی‌ها و نحوه تعامل آن حضرت با قوم بنی‌اسرائیل انجام گرفته و الگوهای متنوع رهبری بر اساس آیات قرآن مورد بررسی قرار گرفته است. با این حال در بیشتر پژوهش‌های پیشین، تمرکز اصلی بر جنبه‌های کلی رهبری همچون تعامل، صبر، دعوت به وحدت، عوامل تربیتی و اخلاقی و نیز روش‌های مدیریتی آن حضرت بوده و به ویژگی‌های بینشی و گرایشی کمتر توجه شده است (باقری و کاظمی نجف‌آبادی، ۱۳۹۲، ص ۱۵۷). برخی مطالعات نیز به بررسی مؤلفه‌های رهبری اصیل در شخصیت حضرت موسی علیه السلام پرداخته‌اند؛ از جمله: خودآگاهی، پردازش متوازن، وجدان درونی و شفافیت رابطه. این مطالعات عمدتاً به‌صورت تطبیقی میان رهبری الهی و رهبری اصیل در اندیشه غربی انجام شده‌اند؛ اما در آنها نیز بعد دلالت آیات بر ویژگی‌های بینشی و گرایشی کمتر بررسی شده است (بیدکی و دیگران، ۱۴۰۰). همچنین شماری از مقالات، عوامل انسانی - الهی و ابزارهای مدیریتی حضرت موسی علیه السلام را در فرایند هدایت الهی طبقه‌بندی کرده و بر پایه داده‌های تفسیری، ارتباط میان رهبر الهی و پیروان را تحلیل نموده‌اند (محمدزاده، ۱۳۹۵). افزون‌براین، در پژوهش‌های گسترده‌تر حوزه مدیریت اسلامی معمولاً موضوعاتی مانند برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و شایسته‌سالاری از منظر آیات قرآن و رهبران الهی - از جمله حضرت موسی علیه السلام - بررسی شده است (گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۷، ج ۳). با وجود تکرار و تنوع پژوهش‌ها در این حوزه، تمایز و ضرورت تحقیق حاضر در این است که برای نخستین‌بار ویژگی‌های بینشی و گرایشی رهبری حضرت موسی علیه السلام به‌صورت مستقل و بر پایه دلالت آیات قرآن تحلیل می‌شود. از این‌رو نوآوری مقاله در پاسخ به خلأ نظری موجود درباره ابعاد بینشی و گرایشی رهبری الهی حضرت موسی علیه السلام در قرآن کریم است.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی - تفسیری است و بررسی و تبیین ویژگی‌های بینشی و گرایشی حضرت موسی (ع) در قرآن کریم به این روش‌ها صورت می‌گیرد. تحقیق توصیفی به معنای توصیف دقیق، منظم و عینی پدیده‌ها، شرایط یا وضعیت‌های موجود است که بدون دست‌کاری یا تغییر متغیرها، ویژگی‌ها و ابعاد موضوع مورد مطالعه را شناسایی و گزارش می‌کند (رمضان‌پور، ۱۴۰۴/۰۴/۰۳). این روش به پژوهشگر امکان می‌دهد تا وضعیت کنونی یک پدیده را به صورت جامع و دقیق تشریح کند و اطلاعات پایه‌ای لازم را برای فهم عمیق‌تر موضوع فراهم آورد. روش تحلیلی به بررسی روابط، علل و پیامدهای پدیده‌ها می‌پردازد و با تحلیل دقیق داده‌ها، به کشف معانی و دلالت‌های پنهان در متن با پدیده مورد نظر کمک می‌کند. این روش معمولاً در کنار روش توصیفی به کار می‌رود تا علاوه بر توصیف، بتوان به تبیین و تحلیل عمیق‌تر موضوع پرداخت؛ اما روش تفسیری در پژوهش‌هایی استفاده می‌شود که برای استخراج داده‌های مورد نیاز برای پژوهش و حل مسئله مورد نظر، به کشف مراد صاحب متن از مسئله و موضوع مورد بحث نیاز است (در پژوهش حاضر متن ما قرآن و مآئن خداوند متعال است) و سپس به کشف روابط داده‌ها و جمع‌بندی دلالتی آنها برای بهره‌گیری از آنها در حل پرسش‌های فرعی بدنه بحث اقدام می‌کنیم. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش پیش گفته، با نگاهی جامع و عمیق به ویژگی‌های بینشی و گرایشی رهبری الهی حضرت موسی (ع) در قرآن می‌کوشد اصل این ویژگی‌ها و نقش آنها را در هدایت و رهبری موفق ایشان به صورت مستند تبیین کند؛ بنابراین برای حل مسئله، مباحث را در سه محور ویژگی‌های بینشی، ویژگی‌های گرایشی و ویژگی‌های بینشی - گرایشی رهبری حضرت موسی (ع) در قرآن بررسی می‌کند.

۱. مفهوم‌شناسی

وجود انسان از ابعاد و ساحات مختلفی تشکیل شده است: جسم و روح. بعد نفسانی یا روحانی انسان، حقیقتی است که خودش دارای سه ساحت است: ۱. ساحت معرفتی، شناختی یا بینشی؛ ۲. ساحت احساسی، عاطفی یا گرایشی؛ ۳. ساحت فطری، رفتاری یا کرداری (رضوانی و شریفی، ۱۳۹۸، ص ۲۱).

انسان دارای دو ویژگی بنیادین است: اول ادراک و دوم اراده. در حوزه ادراک، علم و شناخت نقش دارند که به آن «بینش» گفته می‌شود و در حوزه اراده نیز میل، رغبت و انگیزش مؤثرند که به آن «گرایش» اطلاق می‌گردد. این دو عامل اساسی، یعنی بینش و گرایش، زمینه‌ساز پیدایش رفتارهای انسانی‌اند. بنابراین، شناخت به‌تنهایی قادر به ایجاد رفتار نیست؛ چراکه ممکن است فردی بداند رفتاری مفید است، اما برخلاف آن عمل کند. به این ترتیب، رفتارها تنها معلول ادراک و شناخت نیستند؛ بلکه نیروی دیگری به‌نام انگیزش و هیجانات، که ناشی از احساسات و عواطف است نیز در شکل‌گیری رفتارها مؤثر است (جلالی، ۱۳۸۰، ص ۴۵).

۱-۱. ویژگی‌های بینشی

ویژگی‌های بینشی به مجموعه توانایی‌های فکری، تحلیلی و درک عمیق محیط و موقعیت اشاره دارد که رهبر را قادر می‌سازد تا تصمیمات مؤثر و راهبردی اتخاذ کند. در منابع اسلامی و مدیریت اسلامی، بینش عاملی کلیدی برای تعالی روحی و کمال معنوی انسان شمرده می‌شود که رهبر را قادر می‌سازد تا در مسیر هدایت جامعه به سوی سعادت گام بردارد.

۱-۲. ویژگی‌های گرایشی

در نفس انسان چند گرایش اصلی وجود دارد که منشأ اصلی فعالیت‌های او محسوب می‌شوند و به «غرایز اصلی» معروف‌اند. از این غرایز اصلی، سایر گرایش‌ها و تمایلات انسانی، که از نظر کمی بسیار و از جهت کیفی پیچیده‌اند و منشأ رفتارهای متنوع می‌شوند، سرچشمه می‌گیرند. سه غریزه اصلی انسان عبارت‌اند از:

۱. **حب بقا:** یعنی تمایل انسان به ماندگاری و زندگی پایدار. این غریزه منشأ سلسله‌ای از تلاش‌ها و فعالیت‌های انسان است. حب بقا که نخستین غریزه اصلی انسان است، تحت تأثیر «علم و معرفت» در دو شکل متفاوت بروز می‌یابد و به دو نوع کاملاً متمایز از فعالیت‌های انسانی منجر می‌شود. میزان علم و دانش افراد متفاوت است و داده‌ها و اطلاعات متنوعی در ذهن انسان شکل می‌گیرد که سبب تنوع و اختلاف رفتارهای ظاهری می‌شود.

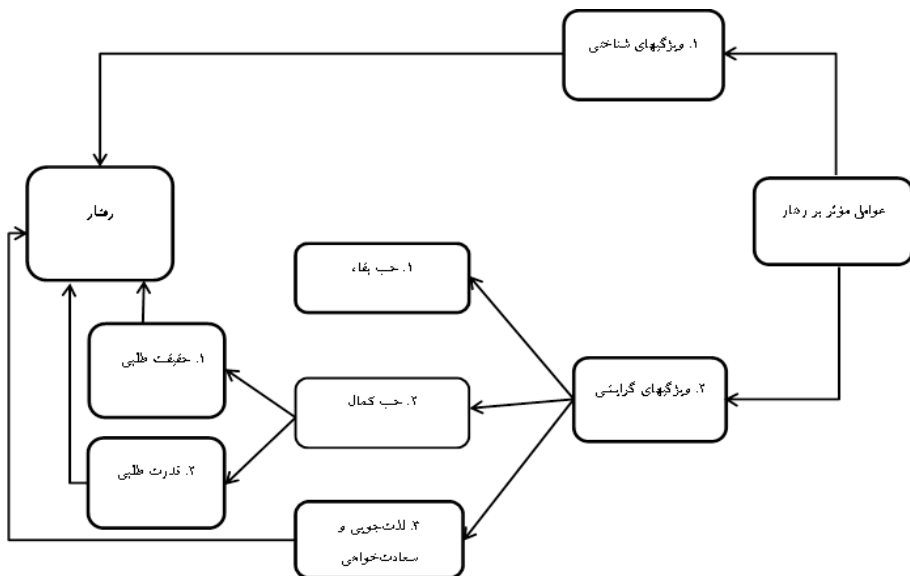
۲. **حب کمال:** دومین غریزه اصلی انسان است که علاوه بر خواست بقا و عمر طولانی، تمایل به رشد و تکامل دارد. این کمال‌خواهی در دو شاخه اصلی «تکامل علمی» و «تکامل قدرت» تبلور می‌یابد. بنابراین، «حقیقت‌جویی» و «قدرت‌طلبی» دو میل مهم‌اند که شاخه‌های اصلی میل اساسی تر «کمال‌خواهی» انسان شمرده می‌شوند.

۳. **لذت‌جویی و سعادت‌طلبی:** سومین غریزه اساسی انسان است که علاوه بر بقا و کمال، میل به لذت و شادی دارد و می‌خواهد زندگی خود را با خوشی و رضایت سپری کند.

این سه غریزه، که همگی از ریشه «حب نفس» نشئت می‌گیرند، هر یک به‌منزله تنه‌ای هستند که شاخه‌ها و فروع متعددی از آن رشد می‌کنند و تحت تأثیر عوامل مختلف، منشأ فعالیت‌ها و رفتارهای گوناگون انسانی می‌شوند (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۵-۱۸۷).

شناخت دقیق این ویژگی‌های گرایشی در انسان، به‌ویژه در رهبران الهی مانند حضرت موسی علیه السلام، می‌تواند به درک بهتر چگونگی شکل‌گیری رفتارها و تصمیم‌گیری‌های آنان کمک کند و چهارچوبی علمی برای تحلیل رهبری از منظر قرآن فراهم آورد. نمودار شماره ۱ عوامل مؤثر بر رفتار انسان را تبیین می‌کند.

نمودار ۱. عوامل مؤثر بر رفتار انسان



در ادبیات رفتار سازمانی، نقش گرایش‌ها به‌عنوان عوامل مؤثر بر رفتار انسان به‌طور گسترده مورد توجه قرار گرفته است. گرایش‌های مختلفی که در این حوزه شناسایی شده‌اند، به شرح زیر قابل دسته‌بندی و تحلیل‌اند:

۱. گرایش به بقا یا حیات: این گرایش شامل نیازهای اساسی، مانند تأمین معاش، تغذیه، فراهم بودن محیط قابل زیست، تنظیم نظم خواب و بیداری، رهایی از فشارهای روانی (تنیدگی)، حفظ سلامت، اجتناب از خطر و دفاع از خود و گروه است.

۲. گرایش به تعلق: این گرایش بیانگر نیاز به دلبستگی، مراقبت، حفاظت، شناسایی، قابلیت ارتباط با دیگران، خوش‌مشربی و مراوده‌های اجتماعی است.

۳. گرایش به لذت: شامل جست‌وجوی راحتی، نیازهای جنسی، مصرف غذا و نوشیدنی‌های خوشمزه، ورزش و استراحت، تجربه تازگی، تفریح و زیبایی می‌شود.

۴. گرایش به کسب اطلاعات: این گرایش مرتبط با تحریک حواس، هدایت‌ها، محرک‌ها، نشانه‌ها، بازخورد، دانش و شناخت است.

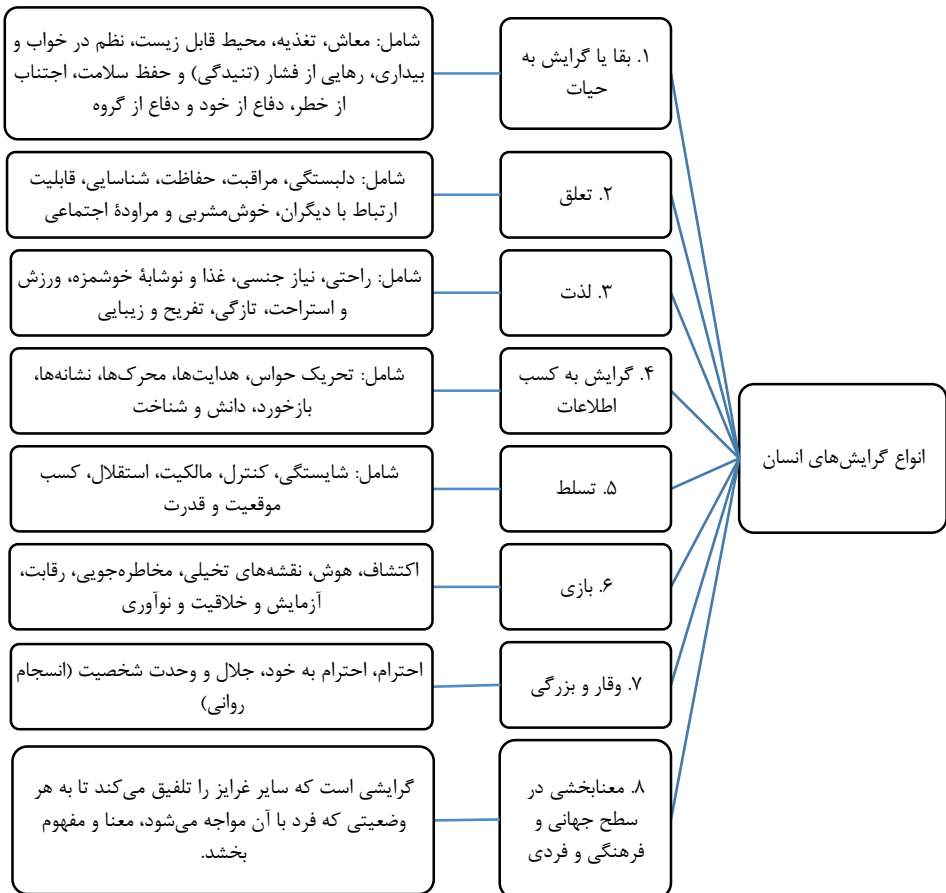
۵. گرایش به تسلط: شامل شایستگی، کنترل، مالکیت، استقلال، کسب موقعیت و قدرت است.

۶. گرایش به بازی: این گرایش شامل اکتشاف، هوش، نقشه‌های تخیلی، مخاطره‌جویی، رقابت، آزمایش، و خلاقیت و نوآوری است.

۷. گرایش به وقار و بزرگی: مرتبط با احترام به خود و دیگران، جلال و وحدت شخصیت (انسجام روانی) است.

۸. **گرایش به معنا بخشی:** این گرایش در سطح فردی، فرهنگی و جهانی عمل می‌کند و نقش تلفیق‌کننده سایر غرایز را دارد تا به هر وضعیت و تجربه‌ای که فرد با آن مواجه می‌شود، معنا و مفهوم بخشد (رضائیان، ۱۳۸۴، ص ۱۹۷). نمودار شماره ۲ انواع گرایش‌ها را به صورت تصویری نمایش می‌دهد و نشان‌دهنده تنوع و گستردگی این عوامل در شکل‌دهی به رفتارهای انسانی است. شناخت دقیق و تحلیل این گرایش‌ها در رفتارهای سازمانی و رهبری، به‌ویژه در چهارچوب رهبری الهی و قرآنی مانند حضرت موسی علیه السلام می‌تواند به درک عمیق‌تر از ماهیت تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای رهبران کمک کند و زمینه‌ساز توسعه نظریه‌های رهبری متکی بر منابع دینی شود. نمودار شماره ۲ انواع گرایش‌ها را نشان می‌دهد.

نمودار ۲. انواع گرایش‌های انسان



پس از مفهوم‌شناسی و تبیین مبانی روش‌شناختی پژوهش، اکنون به تبیین ویژگی‌های این رهبر الهی در سه عرصه متمایز و درعین‌حال مرتبط می‌پردازیم: ویژگی‌های بینشی که به نگرش و شناخت عمیق ایشان از حقایق هستی و

مسیر هدایت مربوط است؛ ویژگی‌های گرایشی که تمایلات درونی، عواطف و اراده مصمم آن حضرت را نمایان می‌سازد؛ و در نهایت، ویژگی‌های بینشی - گرایشی که ترکیبی از معرفت الهی و انگیزش در جهت تحقق رسالت الهی را نشان می‌دهد. واکاوی این سه ساحت از شخصیت حضرت موسی (ع)، الگویی یکپارچه از رهبری الهی را پیش روی می‌نهد و می‌تواند چراغی فراراه سیاست‌گذاران و رهبران جوامع معاصر باشد.

۲. ویژگی‌های بینشی رهبری الهی حضرت موسی (ع) در قرآن

این تحقیق نشان می‌دهد که ویژگی‌های شناختی و بینشی حضرت موسی (ع) در قرآن شامل سه محور اصلی است: نخست، علم‌آموزی مستمر و جست‌وجوی دانش که زمینه‌ساز درک عمیق و حکمت الهی در تصمیم‌گیری‌های ایشان بوده است؛ دوم، بهره‌مندی از حکمت الهی که در آیات متعدد به‌عنوان سرچشمه تدبیر و راهنمایی در مواجهه با چالش‌ها به آن اشاره شده است؛ و سوم، باور قلبی و عمیق به نصرت و حمایت خداوند که موجب استقامت و اعتماد به نفس حضرت موسی (ع) در مسیر رهبری و هدایت مردم شده است. این سه ویژگی شناختی و بینشی، بنیان اصلی موفقیت رهبری ایشان را شکل داده و الگویی کامل و الهام‌بخش برای رهبران معاصر فراهم آورده است.

۲-۱. علم‌آموزی

شناخت و معرفت، پایه و اساس رفتار شایسته و اخلاقی انسان است. به همین دلیل، انبیای الهی نه تنها خود به‌دنبال کسب علم و دانش بودند، بلکه در تربیت پیروان خود نیز ابتدا بر انتقال معرفت‌های لازم تأکید داشتند. اهمیت علم‌آموزی و کسب شناخت از آن جهت است که انسان با بهره‌مندی از علم می‌تواند به صفات برجسته انسانی، مانند شرافت نفس، بردباری، گذشت و حسن خلق دست یابد. امیر مؤمنان علی (ع) رابطه میان علم و صفات انسانی را چنین بیان می‌کنند: «الحُكْمَاءُ أَشْرَفُ النَّاسِ أَنْفُساً وَ أَكْثَرُهُمْ صَبْرًا وَ أَسْرَعُهُمْ عَفْوَاً وَ أَوْسَعُهُمْ اخْلَاقاً» (تمیمی آمدی، ۱۴۰۱ق، ص ۱۲۰)؛ یعنی حکیمان در میان مردم شریف‌ترین، بردبارترین، بخشنده‌ترین و خوش‌خلق‌ترین افرادند. همچنین ایشان می‌فرمایند: «کمال العلمِ الحِلْمُ»؛ کمال دانش، بردباری است.

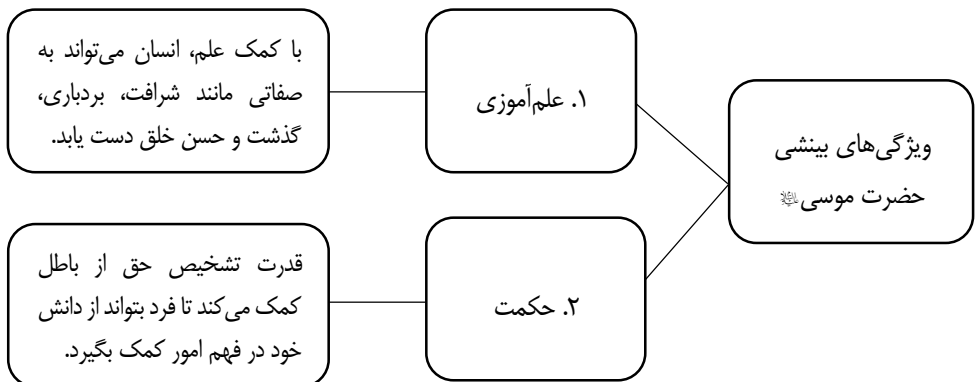
قرآن کریم نیز نقش معرفت و شناخت را در شکل‌گیری ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی انسان به‌زیبایی تبیین می‌کند. در جریان داستان حضرت موسی و حضرت خضر (ع) می‌فرماید: «فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَى أَنْ تُعَلِّمَ مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا قَالَ إِنْكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا وَ كَيْفَ تَصْبِرُ عَلَى مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا» (کهف: ۶۵-۶۸)؛ موسی به او گفت: آیا اجازه می‌دهی که تو را پیروی کنم تا از آنچه به تو آموخته‌اند، مایه رشد به من بیاموزی؟ گفت: تو هرگز نمی‌توانی با من صبر کنی و چگونه می‌توانی بر چیزی که به آن احاطه نداری، صبر کنی؟ در این آیات، علت اعتراض حضرت موسی (ع) به حضرت خضر (ع) عدم آگاهی و شناخت کافی از حکمت کارهای خضر بیان شده است. خداوند متعال برای آنکه حضرت موسی (ع) بتواند رسالت عظیم هدایت مردم از ظلمت به نور را به‌خوبی به انجام رساند، علم، حکمت و معجزه را به او عنایت فرموده است. این

علم‌آموزی و بهره‌مندی از حکمت الهی، از مهم‌ترین ویژگی‌های شناختی و بینشی حضرت موسی علیه السلام به‌شمار می‌آید که نقش اساسی در موفقیت رهبری ایشان داشته است.

۲-۲. حکمت

معرفت و دانش به‌تنهایی برای تشخیص راه درست کافی نیست؛ بلکه باید قدرت تمیز حق از باطل نیز در فرد وجود داشته باشد تا بتواند از دانش خود در فهم و تحلیل امور بهره‌مند شود. قرآن کریم به این دو ویژگی هم‌زمان اشاره می‌کند: «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» (یوسف: ۲۲)؛ و هنگامی که یوسف به سن کمال رسید، حکمت و دانش به او عطا کردیم و ما نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم. در این آیه، «حکم» به‌تعبیر برخی مفسران، به‌معنای عقل، فهم و قدرت داوری صحیح آمده است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۲، ص ۱۰۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۶، ص ۴۰). «حکمت» توانایی درک، فهم و تحلیل مسائل است و ازهمین‌رو در کنار علم قرار گرفته است؛ چراکه علم به‌تنهایی برای تشخیص امور کافی نیست و تنها زمانی مفید و کارآمد است که همراه با قدرت تمیز و تشخیص باشد. برخی مفسران حکم را به‌معنای «قول فصل» و «حق مطلب» در هر موضوع و همچنین به‌معنای رفع شبهه و تردید در مسائلی که محل اختلاف است، دانسته‌اند. این معنا اقتضا می‌کند که دارنده حکمت در تمامی معارف انسانی، چه دربارهٔ مبدأ، معاد، اخلاق یا شریعت و آداب مربوط به جامعهٔ بشری، دارای رأیی صائب و قطعی باشد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۱۵۹). بدین ترتیب، حکمت به‌عنوان ویژگی شناختی - بینشی، مکمل علم است و نقش مهمی در توانمندسازی رهبر الهی مانند حضرت موسی علیه السلام در تشخیص درست مسیر هدایت و تصمیم‌گیری‌های حکیمانه ایفا می‌کند. نمودار شماره ۳ ویژگی‌های بینشی حضرت موسی علیه السلام را از منظر آیات قرآن نشان می‌دهد.

نمودار ۳. ویژگی‌های بینشی حضرت موسی علیه السلام



۳. ویژگی‌های گرایش رهبری الهی حضرت موسی (ع) در قرآن

گرایش‌ها و تمایلات متنوعی در وجود انسان به ودیعه نهاده شده است که هر یک نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت و مسیر زندگی فرد ایفا می‌کنند. شناخت دقیق این گرایش‌ها و بهره‌گیری صحیح از آنها زمینه‌ساز شکوفایی استعدادهای درونی و حرکت به سوی کمال و قرب الهی خواهد بود. در این راستا، بررسی ویژگی‌های گرایش انبیای الهی، به‌ویژه حضرت موسی (ع)، که یکی از برجسته‌ترین پیامبران در قرآن کریم است، می‌تواند الگوی ارزشمندی برای فهم بهتر این ظرفیت‌های درونی فراهم آورد. در ادامه، برخی از گرایش‌های برجسته حضرت موسی (ع) در قرآن تحلیل می‌شود.

۳-۱. محبت به خداوند

محور و جوهره دین، ایمان و محبت به خداوند است. ایمان و محبت به خداوند انسان را به محبوب حقیقی پیوند می‌دهد و وی را در مسیر الهی به حرکت وامی‌دارد. محبت به خدا یکی از گرایش‌های بنیادین انسان است که نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری رفتار و کردار وی دارد. از آثار بارز محبت الهی می‌توان به مواردی چون اطاعت و تبعیت از فرمان خدا، پرهیز از گناه، توبی و تبری، ترجیح دادن خداوند بر سایر محبوب‌ها، ذکر و یاد مستمر خدا، نماز شب و مناجات، احسان و نیکوکاری، جهاد و شهادت، ترک هواپرستی، صبر و تحمل در برابر سختی‌ها، اخلاص، صدق و راستی، خودسازی و تزکیه نفس، انفاق و استغفار، و اهتمام به نماز اشاره کرد.

تعبیرات خالصانه موسی (ع) هنگام دریافت مأموریت، نشانه‌ای از عشق و ایمان او به خداست؛ زیرا با اطمینان، هرچه در دل دارد، عرضه می‌کند و تنها از خدا یاری می‌خواهد. درخواست‌های او یک گفت‌وگوی عاشقانه و مؤمنانه با پروردگار است که از محبتی عمیق به ذات او حکایت دارد (طه: ۲۴-۲۸). در برخی روایات، دین به معنای محبت تبیین شده است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «وَهَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ؟ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ، وَقَالَ: يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ، وَهَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۷، ص ۹۵). آیا دین چیزی جز محبت است؟ خداوند می‌فرماید: «اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد». همچنین در روایات به راه‌های کسب محبت الهی اشاره شده است. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «أَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ نَجِيهَ مُوسَى يَا مُوسَى أَجِبْنِي وَحِبِّنِي إِلَى خَلْقِي فَقَالَ يَا رَبِّ أَنَا أَجِيبُكَ فَكَيْفَ أَحْبَبْتُكَ إِلَى خَلْقِكَ؟ قَالَ أَذْكُرُ لَهُمْ نِعْمَائِي عَلَيْهِمْ وَبَلَائِي عِنْدَهُمْ فَإِنَّهُمْ لَا يَذْكُرُونَ إِذْ لَا يَعْرِفُونَ مِنِّي إِلَّا كُلَّ خَيْرٍ» (روام بن ابی فراس، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۱۹۶). خداوند به موسی (ع) وحی کرد: «مرا دوست بدار و محبوب بندگانم گردان». موسی عرض کرد: «پروردگارا! من تو را بیش از همه دوست دارم؛ اما چگونه محبت تو را در دل‌های بندگان ایجاد کنم؟» خداوند فرمود: «نعمت‌ها و بلاها و امتحاناتم را به آنان یادآور شو؛ زیرا آنان جز خوبی از من نمی‌شناسند و به یاد نمی‌آورند. این آموزه‌ها بیانگر آن است که محبت به خداوند،

نه تنها سرچشمه ایمان و عمل صالح است، بلکه مسیر رسیدن به قرب الهی و کمال انسانی را هموار می‌سازد و از مهم‌ترین گرایش‌های درونی انسان به‌شمار می‌رود. شناخت و تعمیق این محبت، زمینه‌ساز رشد معنوی و تحقق اهداف دین است.

۳-۲. عدم دلبستگی به دنیا

عدم دلبستگی رهبر به دنیا یکی از اصول بنیادین در رهبری موفق و اثربخش جامعه است. رهبری که گرفتار تعلقات دنیوی و مطامع شخصی نباشد، می‌تواند با نگاه بلندمدت و جامع‌نگر به اداره امور بپردازد و تصمیم‌هایی عادلانه و حکیمانه اتخاذ کند. این ویژگی مانع از انحراف رهبر به‌سوی منافع زودگذر و مادی می‌شود و زمینه‌ساز تمرکز بر اهداف کلان، عدالت اجتماعی و رشد معنوی جامعه است. در واقع «عدم دلبستگی به دنیا» رهبری را از فساد، تبعیض و خودمحوری دور می‌سازد و موجب می‌شود که او در مسیر خدمت به مردم و تحقق ارزش‌های اخلاقی و انسانی گام بردارد.

از منظر قرآن کریم، دنیا عرصه‌ای گذرا و فریبنده است که نباید قلب انسان و به‌ویژه رهبران جامعه را به خود مشغول کند. قرآن زندگی دنیوی را متاعی زودگذر و محدود معرفی می‌کند و هشدار می‌دهد که آرزوهای مادی و تعلقات دنیایی می‌توانند انسان را از مسیر حق منحرف سازند (لقمان: ۳۳؛ حدید: ۲۰؛ آل عمران: ۱۸۵ و ۱۹۶؛ انعام: ۷۰؛ جاثیه: ۳۵). در این چهارچوب، رهبران الهی باید به‌گونه‌ای تربیت شوند که دل‌هایشان از زنجیرهای هوا و هوس آزاد باشد و تنها به خداوند متکی باشند.

سیره حضرت موسی علیه السلام نمونه‌ای بارز از این ویژگی است. آن حضرت پس از مبعوث شدن به نبوت و رسالت وارد وادی مقدسی شد که در آن باید از تمامی تعلقات دنیوی، چه در ظاهر مانند کفش و چه در باطن، دل بکند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۳، ص ۶۵-۶۶). قرآن کریم این حقیقت را این‌گونه بازگو می‌کند: «إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طَوًى» (طه: ۱۲)؛ به‌یقین این منم پروردگار تو؛ پس کفش خود را از پایت بیفکن؛ زیرا تو در وادی مقدس طوی هستی. این رهایی از دنیا، زمینه‌ساز تمرکز کامل ایشان بر رسالت الهی و توانمندی در مواجهه با چالش‌های بزرگ بود. حضرت موسی علیه السلام با دوری از دلبستگی‌های مادی توانست مأموریت خطیر هدایت فرعون و قومش را با صبر، حکمت و توکل به خداوند به‌انجام رساند و الگویی بی‌نظیر برای رهبران الهی به‌جای گذارد.

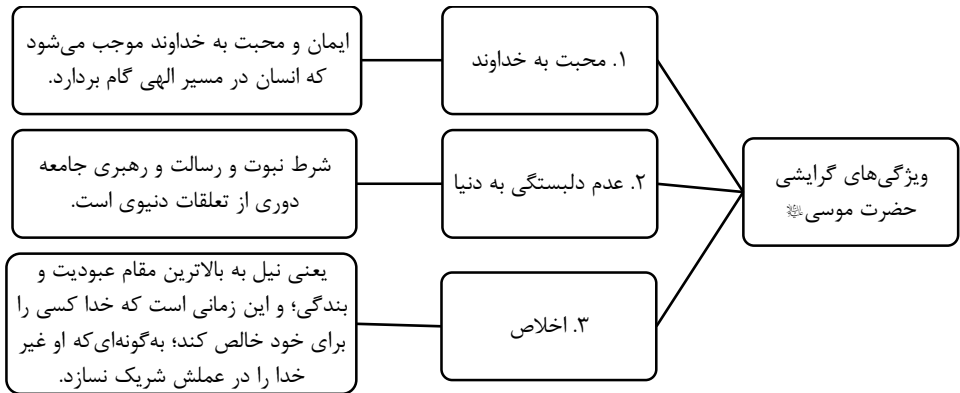
عدم دلبستگی به دنیا به‌عنوان یکی از ویژگی‌های گرایشی کلیدی در رهبری، موجب می‌شود که رهبران با تمرکز بر اهداف الهی و معنوی، از انحرافات ناشی از تعلقات مادی دوری کنند و مسیر هدایت جامعه را با استقامت، عدالت و صداقت طی نمایند. این ویژگی در قرآن و سیره حضرت موسی علیه السلام به‌عنوان شرطی اساسی برای تحقق رهبری موفق و اثرگذار مورد تأکید قرار گرفته است.

۳-۳. اخلاص داشتن

اخلاص به معنای انجام عمل صرفاً برای خداوند و پاک بودن نیت از هر گونه انگیزه غیرالهی است (رفیق، ۱۹۹۹م، ص ۲۶). در قرآن کریم، واژگان مشتق از اخلاص به انجام عبادات و طاعات تنها برای خدا، دل بریدن از غیر او، عدم درخواست پاداش از غیر خدا و نفی شرک و ریا اشاره دارند. اخلاص، از آنجاکه به معنای انجام عمل فقط برای خداست، با شرک و ریا که به معنای انجام عمل برای غیر خداست، ناسازگار و جمع‌ناشدنی است. آیاتی که به نفی شرک و ریا پرداخته‌اند، به طور ضمنی بر اهمیت اخلاص تأکید دارند. در روایات نیز اخلاص یکی از اسرار الهی شمرده شده است که خداوند آن را در قلب بنده مؤمن قرار می‌دهد (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۰۱).

«مُخْلِص» به کسی گفته می‌شود که خداوند او را برای خود خالص کرده است و هیچ شریکی در او و اعمالش وجود ندارد؛ این مقام، بالاترین مرتبه عبودیت و بندگی است. اخلاص به عنوان یکی از ویژگی‌های گرایشی در رهبران الهی، نقش محوری در هدایت صحیح و مؤثر جامعه ایفا می‌کند. رهبری بدون اخلاص ممکن است به انحراف از مسیر حق و خدمت به منافع شخصی یا گروهی منجر شود. در قرآن کریم تأکید فراوانی بر پاک بودن نیت و انجام عمل صرفاً برای خداوند شده است؛ چراکه این ویژگی زمینه‌ساز صداقت، استقامت و عدالت در رهبران است. اخلاص موجب می‌شود که رهبر در مواجهه با سختی‌ها و آزمون‌ها، از مسیر الهی منحرف نشود و بتواند به بهترین شکل مأموریت خود را در راه اصلاح و هدایت جامعه به انجام رساند.

خداوند حضرت موسی (ع) را به واسطه ویژگی‌های باطنی و کرامات ظاهری، برای خود خالص کرده بود. زندگی موسی سرشار از ابتلائات و آزمون‌های الهی بود: ابتدا از مادر و خانواده جدا شد و تحت سرپرستی فرعون قرار گرفت؛ سپس در پی یاری مظلومی برآمد؛ اما ناخواسته فرد متجاوز را به قتل رساند و از بیم مجازات فرار کرد؛ سال‌ها به شبانی پرداخت و در مسیر بازگشت به وطن، نور الهی را از کوه طور از پشت شجره مشاهده کرد و مأمور به ابلاغ رسالت شد. خداوند به او فرمان داد تا فرعون طغیانگر و قومش را که به متاع دنیوی گرایش داشتند و بنی اسرائیل را با ظلم و ستم به استضعاف کشانده بودند، انذار کند. با آنکه موسی (ع) سال‌ها در قصر فرعون - یکی از بزرگ‌ترین پادشاهان زمین - رشد یافته بود، رفاه و اشرافیت نتوانست او را از یاری مستضعفان و کمک به رهایی آنان از شرایط سخت بازدارد. او به فرمان الهی بنی اسرائیل را از ظلم و ستم فرعونیان رها کنید. قرآن کریم این ویژگی گرایشی موسی (ع) را این گونه توصیف می‌کند: «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مُوسَى إِنَّهُ كَانَ مُخْلِصًا وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا» (مریم: ۵۱)؛ و در این کتاب، موسی را یاد کن که او فردی مخلص و فرستاده‌ای پیامبر بود. نمودار شماره ۴ ویژگی‌های گرایشی حضرت موسی (ع) را نشان می‌دهد.



۴. ویژگی‌های بینشی - گرایشی رهبری الهی حضرت موسی (ع) در قرآن

۴-۱. باور قلبی به نصرت الهی

معرفت عمیق به خداوند و باور به حضور و نظارت دائم او در همهٔ صحنه‌ها موجب می‌شود که انسان در مواجهه با بحران‌ها و شرایط دشوار، آرامش خود را حفظ کند و از اتخاذ تصمیم‌های عجولانه و نادرست بپرهیزد. این آرامش و اطمینان درونی زمینه‌ساز تسلط کامل بر امور و مدیریت هوشمندانهٔ شرایط مطابق با ارادهٔ الهی است. حضرت موسی (ع) با باور راسخ و یقینی به خداوند، نصرت و یاری الهی را امری قطعی و حتمی می‌دانست. از همین رو هنگامی که به رود نیل رسید و لشکر دشمن به سرعت به بنی‌اسرائیل نزدیک می‌شد، مردم دچار نگرانی و اضطراب شدند و گفتند: «دشمن دارد به ما می‌رسد و گرفتار خواهیم شد». در این لحظه، حضرت موسی (ع) با اطمینان پاسخ داد: «حاشا! پروردگار من با من است و به زودی مرا هدایت خواهد کرد»؛ سپس به او وحی شد که با عصایش به دریا بزند؛ آن‌گاه دریا شکافته شد و بنی‌اسرائیل توانستند به سلامت از آن عبور کنند. این نمونهٔ بارز، نشان‌دهندهٔ نقش باور قلبی به نصرت الهی در حفظ آرامش، اعتماد به نفس و موفقیت رهبر الهی در مواجهه با بحران‌هاست.

۴-۲. خوش‌گمانی به خداوند

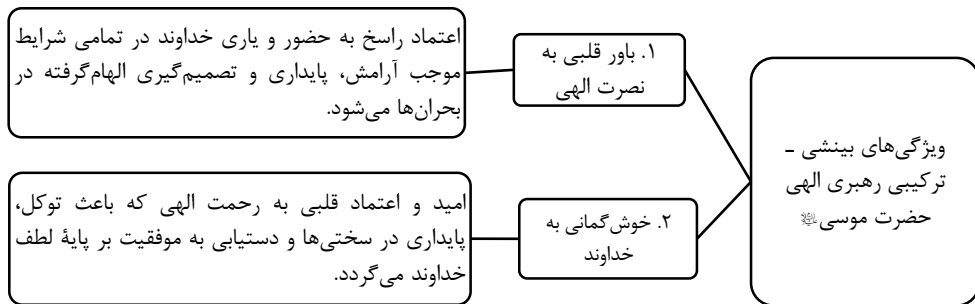
خوش‌گمانی به خداوند به عنوان یکی از اصول بنیادین ایمان، نقش مهمی در حفظ تعادل روانی و معنوی انسان دارد. این ویژگی، انسان را از ناامیدی و یأس دور و او را به تلاش مستمر و امیدواری به رحمت الهی ترغیب می‌کند. بررسی نمونه‌های قرآنی و روایی، به‌ویژه زندگی حضرت موسی (ع)، نشان می‌دهد که خوش‌گمانی به خداوند زمینه‌ساز توکل واقعی و موفقیت در مسیر بندگی است. خوش‌گمانی به خداوند به معنای امیدواری به رحمت و لطف الهی است؛ درحالی‌که بدگمانی به خداوند به معنای ناامیدی از رحمت اوست. انسان مؤمن باید ضمن بیم از عذاب الهی، هرگز از رحمت خدا مأیوس نشود. او موظف است که به وظایف خود عمل کند؛ نیت خود را خالص نگه دارد؛ از گناهانش بترسد و در عین حال به عفو و بخشش پروردگار امیدوار باشد. این تعادل میان ترس و امید، از ارکان اساسی زندگی

معنوی است.

قرآن کریم بدگمانی به خدا را یکی از ویژگی‌های بارز مشرکان و منافقان معرفی می‌کند: «وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا» (احزاب: ۶۲)؛ خداوند مردان و زنان منافق و مشرک را عذاب می‌کند؛ کسانی که به خدا بدگمان‌اند و به همین سبب در حصار بدبینی گرفتار شده‌اند، غضب و لعنت خدا بر آنان باد و جهنم جایگاه نهایی آنهاست. امام رضا (ع) نیز می‌فرماید: «حسن الظن بالله، فإن الله عزوجل يقول: أنا عند ظن عبدي المؤمن به، إن خيراً فخييراً وإن شراً فشرّاً» (کلینی، ۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۷۲)؛ به خداوند خوش‌گمان باش؛ زیرا خداوند می‌فرماید: من نزد گمان بنده مؤمنم هستم؛ اگر خوش‌گمان باشی، به‌خوبی با او رفتار می‌کنم و اگر بدگمان باشی، به‌بدی رفتار خواهم کرد.

خوش‌گمانی حضرت موسی (ع) در قرآن کریم به‌وضوح به‌تصویر کشیده شده است. پس از آنکه حضرت موسی (ع) یکی از فرعونیان را به کام مرگ فرستاد، با ترس و نگرانی از شهر بیرون رفت و به درگاه خداوند چنین عرضه داشت: «رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (قصص: ۲۱). او در شرایط دشوار با توکل به خدا، پس از آنکه به گوسفندان حضرت شعیب (ع) آب داد، به‌سوی سایه برگشت و گفت: «فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ» (قصص: ۲۴)؛ پروردگارا! من به هر چیزی که از سوی تو نازل شود، نیازمندم. این نمونه‌ای بارز از خوش‌گمانی و توکل حضرت موسی (ع) است که موجب شد نیازهای مادی و معنوی او، شامل همسر، مال، شغل و امنیت تأمین شود. نمودار شماره ۵ ویژگی‌های بینشی - گرایشی حضرت موسی (ع) را از منظر آیات قرآن نشان می‌دهد.

نمودار ۵. ویژگی‌های بینشی - گرایشی رهبری الهی حضرت موسی (ع)



نتیجه‌گیری

تربیت رهبران کارآمد و شایسته در حوزه مدیریت، از جمله ضرورت‌های اساسی هر جامعه برای مواجهه با چالش‌های پیچیده و تحقق توسعه پایدار است. قرآن کریم به‌عنوان منبعی جامع و الهام‌بخش، الگوهای متعددی از رهبری را ارائه می‌دهد که بررسی ویژگی‌های بینشی و گرایشی پیامبران، به‌ویژه حضرت موسی (ع)، می‌تواند چهارچوبی علمی و عملی

برای تربیت رهبران در جامعه اسلامی فراهم آورد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که موفقیت و اثربخشی رهبری حضرت موسی علیه السلام برخاسته از ترکیب متعادل ایمان، عقلانیت و گرایش‌های الهی است. در ساحت بینشی، عناصری چون علم‌آموزی، حکمت و درک ژرف از سنت‌های الهی، بنیان معرفتی رهبری ایشان را شکل می‌دهد و زمینه تصمیم‌گیری‌های درست و هدایتگر را فراهم می‌سازد. در ساحت گرایشی، عواملی چون محبت به خداوند، اخلاص و دوری از دلبستگی‌های دنیوی، نشانگر روحیه الهی و اراده استوار ایشان در انجام رسالت الهی است؛ و در نهایت، در ساحت بینشی - گرایشی، مؤلفه‌هایی چون باور قلبی به نصرت الهی و خوش‌گمانی به خداوند، وحدتی میان معرفت و ایمان درونی پدید می‌آورد که سرچشمه آرامش، امید و پایداری در برابر چالش‌هاست. این ویژگی‌ها، نه تنها موجب تقویت اعتماد و اقتدار رهبر می‌شوند، بلکه مسیر تحقق رهبری متعالی و الهی را در جامعه هموار می‌سازند.

با این حال، محدودیت‌های این پژوهش در تحلیل صرفاً متون قرآنی و عدم بررسی تطبیقی با سایر منابع دینی و تاریخی، فرصت‌هایی برای تحقیقات بعدی فراهم می‌آورد. پیشنهاد می‌شود که مطالعات آینده به تحلیل جامع‌تر و چندجانبه ویژگی‌های رهبری پیامبران بپردازند و نقش این ویژگی‌ها را در شرایط معاصر مدیریت و رهبری بررسی کنند. در نهایت، بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی و الگوهای پیامبران، به‌ویژه حضرت موسی علیه السلام، می‌تواند مبنای مستحکمی برای توسعه رهبری متعالی در جوامع اسلامی بوده و راهگشای تربیت رهبرانی هوشمند، اخلاق‌مدار و توانمند در مواجهه با چالش‌های فردی و اجتماعی باشد.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- باقری، مصباح‌الهدی و کاظمی نجف‌آبادی، محمدرضا (۱۳۹۲). تبیین الگوی رهبری قوم بنی‌اسرائیل به‌دست حضرت موسی (ع)؛ پژوهشی قرآنی. اندیشه مدیریت راهبردی، ۷(۲)، ۱۵۷-۱۸۸.
- بیدکی، زهرا؛ دادجو، یدالله؛ حاجیه‌ها، عباس و علم‌الهدی، علی (۱۴۰۰). بررسی و تحلیل چهار ویژگی رهبری اصیل در قرآن بر اساس دلالت‌های داستان حضرت موسی (ع). مدیریت در دانشگاه اسلامی، ۱۰(۲)، ۴۳-۶۶.
- تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد (۱۴۰۱ق). غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق/تصحیح: سیدمهدی رجائی. قم: دار الکتب الاسلامیه.
- جلالی، حسین (۱۳۸۰). درآمدی بر بحث بینش، گرایش، کنش و آثار متقابل آنها. معرفت، ۱۰(۵۰)، ۴۵-۵۵.
- رضائیان، علی (۱۳۸۴). مبانی مدیریت رفتار سازمانی. تهران: سمت.
- رضوانی، علی و شریفی، احمدحسین (۱۳۹۸). قرآن و ارزش‌های اخلاقی ناظر به ساحت‌های سه‌گانه وجودی انسان. معرفت/اخلاقی، ۱۰(۲)، ۱۹-۳۴.
- رفیق، العجم (۱۹۹۹م). موسوعة مصطلحات التصوف الإسلامی. بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
- رمضان‌پور، امیر (۱۴۰۴/۰۴/۰۳). تحقیق توصیفی - پیمایشی (Descriptive Survey Research). سیولیکا. قابل‌بازایی از: <https://civilica.com/note/12811>
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبری، محمدبن جریر (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار المعرفه.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تحقیق و تصحیح: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- گروهی از نویسندگان (۱۳۸۷). مجموعه مقالات مسابقات بین‌المللی قرآن کریم، تهران: اسوه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار/الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- محمدزاده، محمدرضا (۱۳۹۵). بررسی رهبری/استراتژیک در قرآن کریم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته مدیریت، گرایش مدیریت منابع انسانی. تهران: دانشگاه تهران. قابل‌بازایی از: <https://ganj.irandoc.ac.ir>
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸). انسان‌سازی در قرآن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- نوری، حسین‌بن محمدتقی (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل. تحقیق/تصحیح: مؤسسه آل‌البیت (ع). قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- ورام‌بن‌ابی‌فراس، مسعودبن عیسی (۱۳۶۹). مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام / ترجمه تنبیه الخواطر. ترجمه محمدرضا عطایی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- Robbins, S. P. & Judge, T. A. (2009). *Organizational Behavior* (13th ed.). Upper Saddle River, NJ: Pearson Prentice Hall.